

مروری بر کاشی‌سازی دوره تیموری در حرم حضرت رضا (علیه السلام)

هادی خورشیدی*

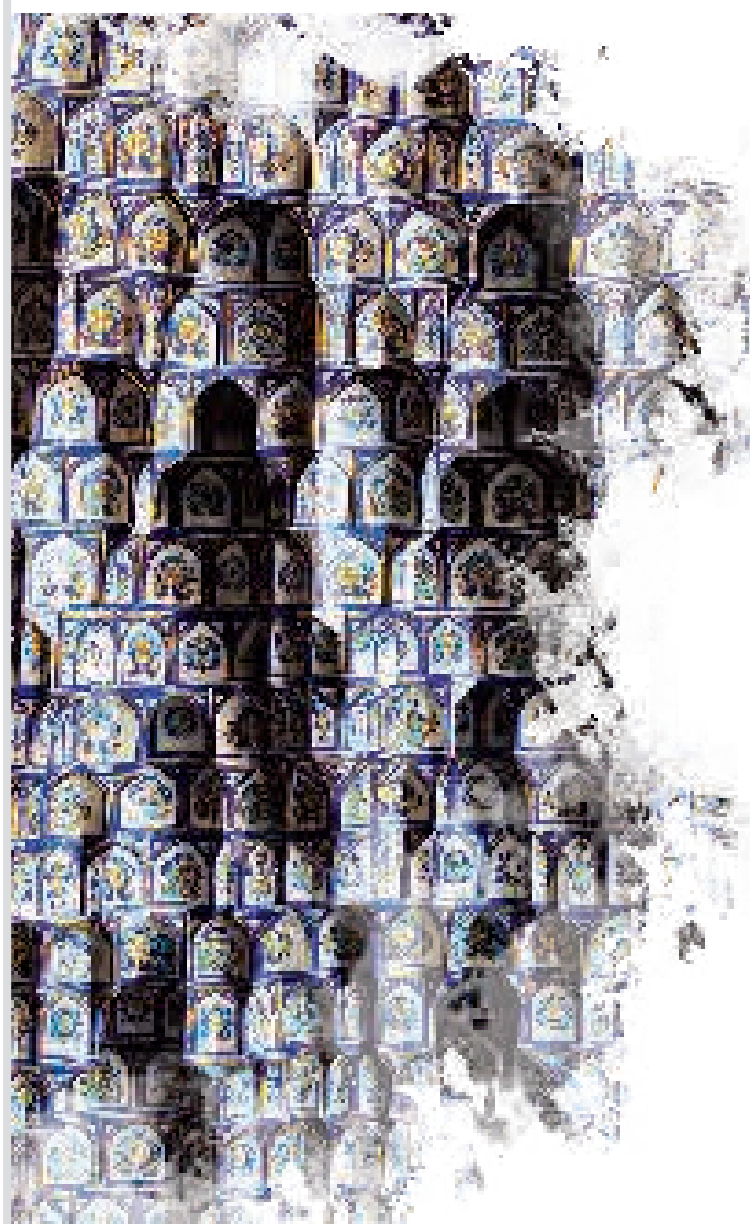
چکیده:

کاشی‌کاری یکی از تزئینات مهم و شاخص در حرم مطهر حضرت رضا (علیه السلام) است. این هنر در عصر تیموریان با اجرای کاشی‌های معرق از نظر فنی به اوج خود رسید. مسجد گوهرشاد یکی از بناهای مهم عصر تیموری است که مجموعه شایان توجهی از فنون مختلف کاشی‌کاری را در آن اجرا کرده‌اند. برخی اثر سنت‌های کاشی‌کاری این عصر همچون سنتی پایدار در دوره‌های بعد نیز برقرار ماند. استفاده از نقوش گره، ترکیب آجر و کاشی به صورت معقلی و همنشینی قاب‌های کاشی معرق در میان آجر، رنگ‌پردازی درخشان و طرح‌های ظریف و پرکار برخی اثر ویژگی‌های این آثار است.

واژگان کلیدی:

کاشی‌کاری، کاشی معرق، کاشی زیر رنگی، هنر عهد تیموری، مسجد گوهرشاد مشهد

* کارشناس ارشد مرمت آثار تاریخی



مقدمه

مجموعه حرم حضرت رضا (علیه السلام) در مشهد مقدس یکی از مجموعه‌های معروف و مهم معماری اسلامی است که گنجینه‌ای از هنرهای وابسته معماری در آن جای دارد. پس از تدفین پیشوای هشتم شیعیان حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) در باغ یا کاخ حمید بن قحطبه والی خراسان در عصر مأمون عباسی، این مکان مورد توجه شیعیان واقع شد. هنرمندان و بزرگان این مرز و بوم در طول هزار و دویست سال ذوق و هنر و بضاعت مالی و علمی و استعداد هنری خویش را از سر ارادت برای عظمت، شکوه و جلال و آراستن این مجموعه صرف کردند.

آنچه در این مجموعه است از دو شرافت برخوردار است: یکی شرافت حضور و وابستگی مکان به حضرت رضا (علیه السلام) که گفته‌اند «شَرَفُ الْمَكَانِ بِالْمَلِكِينَ» و دیگری شرافت و ارزشی که از نظر هنری در این آثار نهفته است. در این میان کاشی‌کاری که یکی از مهم‌ترین روش‌های ایرانیان در آراستن فضاهای معماری است. جلوه‌گری می‌کند. کاشی‌کاری از در قرن پنجم هجری در تزئینات معماری ایران کم و بیش جایگاه یافت و اهمیت آن به مرور افزایش یافت.

به نظر می‌رسد دوره تیموری را باید دوره اوج اعتلای کاشی‌کاری معرق به حساب آورد. خوشبختانه مجموعه حرم حضرت رضا (علیه السلام) سه بنای فاخر از عصر تیموری را در خود دارد. در این نوشتار سابقه کاشی‌کاری در دوره تیموری بررسی و سپس به معرفی، توصیف و در صورت نیاز تحلیل آثار کاشی‌کاری بناهای عصر تیموری در حرم حضرت امام رضا (علیه السلام) خواهیم پرداخت.

الف. مروری بر تاریخ کاشی‌کاری در دوران اسلامی
با اینکه نخستین کاشی‌های اسلامی در همان قرن اول هجری در خارج از مرزهای ایران در عراق (سامرا) و مصر و در تزئین محراب‌ها به کار گرفته شده سابقه آن در ایران به قرن پنجم می‌رسد.

اولین باس کاشی معرق در بناهای قرن ششم هجری به صورت نگین‌های فیروزه‌ای و لاجوردی در بین آجرکاری‌ها به کار گرفته شد. برخی از کهن‌ترین نمونه‌های آن تزئینات مسجد ملک زوزن خواف و مسجد جامع فرومد و برج‌های خرقان قزوین است. اما در عهد ایلخانی بود که نقوش گیاهی و گردان هم به صورت کاشی معرق اجرا شد. در این عهد رنگ‌ها محدود بود به فیروزه‌ای، لاجوردی، سفید، سیاه، عسلی و نررد. نمونه‌ای از این کاشی‌ها را در مقبره اولجایتو در نرنجان (گنبد سلطانیه)، سردر خانقاه شیخ عبدالصمد نطنزی و مسجد جامع ورامین می‌بینیم. (فریه، ۱۳۷۴: ص ۱۳۷) دوره تیموری همزمان است با گسترش علاقه‌ای به عمران و ساختمان‌سازی در شرق ایران به ویژه در شهرهای مهم

خراسان همچون سمرقند، هرات، بخارا، و مشهد.

تیمور در سمرقند، شاهرخ و همسرش گوهرشاد در هرات و مشهد و الغ بیک در سمرقند و شهر سبز آثار زیادی از خود به جا گذاشتند. (ویلبر و گلمبک، ۱۳۷۴: ۱۵) در این آثار بیشتر سطوح خارجی بنا را با کاشی معرق پوشانده‌اند. قاب‌های کاشی معرق در بین ردیف آجرها نشانده می‌شود. رنگ‌ها با اینکه تنوع زیادی نداشت و به شش یا هفت رنگ محدود بود از نظر اجرایی بسیار با کیفیت است.

رنگ کاشی‌های معرق عصر تیموری عبارت است از لاجوردی، سبز یشمی، فیروزه‌ای، سفید، سیاه، قطعات سفالی بدون لعاب و زرد، گل‌ماشی و حنایی. کاشی از نظر مواد تشکیل دهنده آن به گلی و جسمی تقسیم می‌شود. کاشی معرق دوره تیموری از نوع کاشی جسمی است. کاشی گلی از خاک رس و رسوبات رودخانه‌ای ساخته می‌شود ولی کاشی جسمی از ترکیب پودر شیشه، سنگ چخماق (در کوهی) و گل سرشور (بنتونیت) تشکیل شده است. کاشی جسمی را برای پخت یک باس به کوره می‌برند و لعاب و بدنه در یک مرحله همزمان پخته می‌شود و این به سبب نزدیکی جنسیت لعاب و بدنه است و دلیل پیوستگی لعاب و بدنه در کاشی جسمی نیز همین عامل است.

در مشهد برای ساخت کاشی معرق به همان شیوه قدیم از کاشی جسمی استفاده می‌شود و این امتداد سنت کاشی‌سازی تیموریان است اما در اصفهان از کاشی گلی برای تولید معرق کاشی استفاده می‌شود.

ب. بناهای عهد تیموری در حرم حضرت رضا (علیه السلام)
در دوره تیموری مصادف با سده نهم هجری قمری حرم مطهر رضوی مورد توجه خاندان و امرای تیموری قرار گرفت و بناهای متعددی در جوار حرم مطهر ساخته شد که مهم‌ترین آن‌ها مسجد جامع گوهرشاد است. این بنا به دستور گوهرشاد خانم همسر نیکوکار شاهرخ در سال ۸۲۱ ق و به دست استاد قوام‌الدین بن‌نرین‌الدین شیرازی در سمت جنوبی روضه منوره ساخته شد. مسجد دارای تزئینات مفصل کاشی‌کاری، سنگ‌کاری، مقرنس‌گچی و نقاشی دیواری است. این بنا به سبک چهار ایوانی کامل ساخته شده و دارای هشت شبستان بزرگ و کوچک است. مسجد دارای چهار ایوان به نام‌های مقصوره در سمت قبله، ایوان دامن‌سیاده در شمال و وصل به حرم مطهر و ایوان شرقی و غربی (معروف به ایوان آب) است. فضای گنبد در ایوان مقصوره به هم متصل است و این از ابتکارات عالی معمار آن قوام‌الدین شیرازی است. مسجد دو مناره به ارتفاع ۴۳ متر و گنبدی بزرگ به ارتفاع ۴۲ متر دارد. مسجد گوهرشاد را در سال‌های متعدد مرمت و بازسازی جزئی و کلی کرده‌اند و همین امر تشخیص تزئینات کاشی اصیل تیموری را از نمونه‌های بازسازی شده



مشکل می‌سازد. بنای دیگر عهد تیموری مدرسه دو در است که در سمت غربی روضه منوره با فاصله‌ای از آن قرار گرفته است. این مدرسه به همراه، مدارس پریزاد و بالاسر سه مدرسه عهد تیموری هستند که از این میان مدرسه بالاسر در طرح توسعه حرم مطهر تخریب و بجای آن رواق دارالولایه ساخته شد. مدرسه دو در یک مدرسه آرامگاهی است که در مقابل مدرسه پریزاد واقع شده و اکنون داسر القرآن آستان قدس را در آن دایر کرده‌اند. بانی این مدرسه امیر غیاث‌الدین یوسف خواجه بهادری در گنبدخانه جنوب شرقی آن مدفون است. نام بانی آن و تاریخ ساختش در کتیبه سردر ورودی آن که به فن کاشی معرق آمده است. براساس این کتیبه مدرسه در زمان سلطنت شاهرخ و به امر امیر یوسف خواجه بهادری امیر خراسان در محرم سال ۸۴۳ هـ ق/۱۴۳۹م به اتمام رسیده است.

کتیبه‌ای سنگی در پشتیبانی در ورودی گواه این است که مدرسه در سال ۱۰۸۸ (دوران حکومت شاه سلیمان صفوی) به امر مادرشاه، به یاری محمد علیخان قورچی‌باشی امیر مشهد، و به دست محمد شفیع تعمیر شده است. نام دیگر مدرسه که در گذشته بین مردم معروف بود مدرسه چهارگنبد است که بخاطر وجود چهارگنبد خانه در چهارگوشه بدین نام مشهور شده است.

اما اثر دیگر این عهد در حرم حضرت رضا(علیه‌السلام) مدرسه پریزاد است. این بنا را بانویی نیکوکار اثر خدمه گوهرشاد در سال ۸۱۹ هـ ق ساخته می‌شود. بانی مدرسه آن را بر اولاد ذکور خود وقف کرده است. (ویلبر و گلمبک، ۱۳۷۴:) علاوه بر مدارس مذکور سه رواق داسر السیاده، دارالحفاظ و دارالسلام که ما بین روضه و مسجد گوهرشاد واقع است از آثار گوهرشاد آغا بانی مسجد است که کمی پس از مسجد ساخته شده است. از این میان فقط رواق داسر السیاده تزئینات کاشی معرق گره شش و شمس در ازراهش دارد. در منابع تاریخی اثر تزئین و طلاکاری و نقاشی این رواق‌ها به‌ویژه رواق داسر السیاده یاد شده است. (قاضی احمد، ۱۳۵۹: ۱۴۱) این نقاشی‌ها در عهد قاجار همزمان با آینه‌کاری سقف و دیوارها پوشانده شد.

ج. کاشی‌کاری‌های مسجد گوهرشاد

تزئینات کاشی‌کاری در مسجد جامع گوهرشاد نمونه‌ای شایان توجه از کاشی معرق است. آرتور پوپ بر این گمان است که حیاط مسجد گوهرشاد زربین‌ترین نمونه رنگ در معماری است که تاکنون پدید آمده است. (پوپ، ۱۳۷۳: ۱۹۸) انواع کاشی‌هایی که در مسجد گوهرشاد به‌کار رفته‌اند عبارت است از:

- ۱) کاشی معرق
- ۲) کاشی معقلی
- ۳) کاشی زیررنگی
- ۴) کاشی هفت رنگ

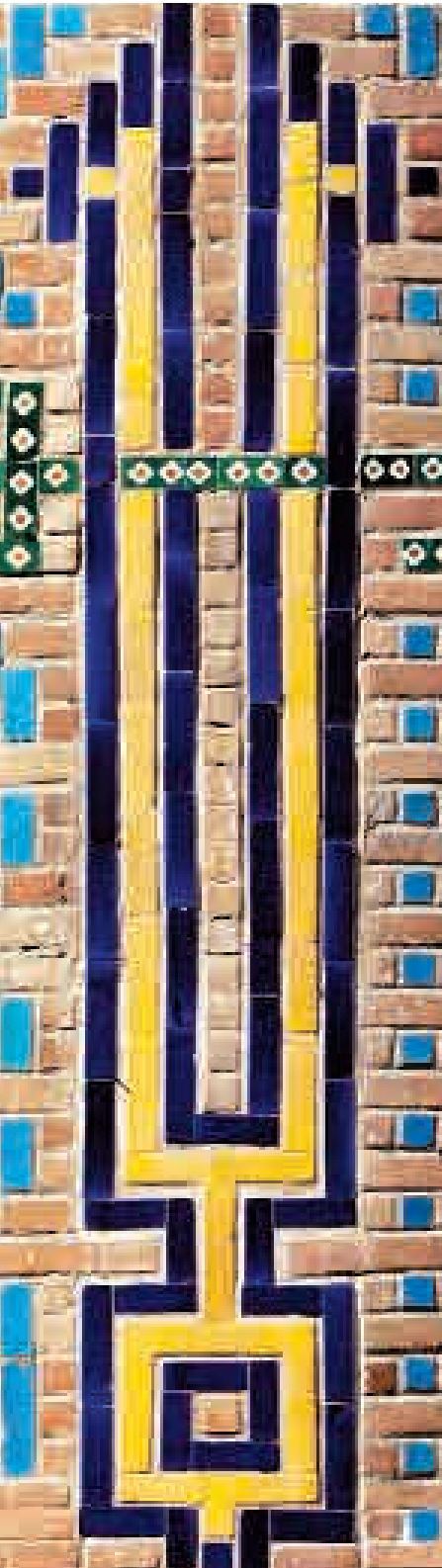
۵) کاشی طلاچسبان
بیش‌ترین سطح در نمای صحن مسجد را با کاشی‌های معرق پوشانده‌اند. سطوح داخلی شبستان‌ها سفید یک‌دست و عاری اثر هرگونه تزئین است اما نمای حیاط و ایوان‌ها و نمای داخلی ایوان‌ها و سردر ورودی آن‌ها را با کاشی پوشانده‌اند. نمای اسپرهای حیاط با آجر طوری طراحی شده که قاب‌های تزئینی و مربع و مستطیل برای جاگذاری کاشی‌های معرق در بین آجرها خالی بماند. در هر اسپر میان غرفه‌های کوچک (ایوانچه‌ها) یک حاشیه کاشی معرق با نقوش ختایی دور می‌زند و در سطوح اسپر قاب‌های کاشی معرق در بین ردیف‌های آجر کاری قرار گرفته است. در پایین اسپرها یک قاب معرق با فرم تیزه‌دار ساخته‌اند که طرح آن در اسپرها متفاوت است. در یکی از آن‌ها به خط کوفی و به رنگ خیامی عبارت «فسیکفیکهمر الله و هو السميع العليم» را بر نرمینه لاجورد اجرا کرده‌اند. برای نمونه دو قاب کاشی معرق اثر

میان آثار مسجد توصیف می‌گردد.

آثار مورد بحث دو قاب کاشی معرق است که در دو طرف ایوان مقصوره (سمت قبله) و بر روی پایه‌های ایوان قرار گرفته است و از بالای ازاره سنگی آغاز می‌شود و در پایین و انتهای کتیبه معروف بایسنخرمیرزا قرار دارد. بالای این دو قاب دو کتیبه ثلث سفید بر زمینه لاجورد وجود دارد که متن آن گویای اطلاعات بانی، تاریخ ساخت و نام معمار است. متن کتیبه فوقانی قاب سمت چپ عبارت است از: «عمل العبد الضعیف الفقیر المحتاج بعنایت الملک الرّحمن قوام الدین بن نرین الدین شیرازی الطیان». قوام الدین شیرازی معمار بزرگ عصر تیموری است که او را با فیلیپو برونلسکی ایتالیایی مقایسه کرده‌اند.

قاب کاشی معرق عبارت است از یک حاشیه ساده مداخل به رنگ عسلی و لاجوردی و متن آن یک گلدان با حفاظ‌هایی چهارگانه در اطراف است که اثر میان آن نقوش اسلیمی همراه با دو ترنج سر به سر با نرمینه سبز پشیمی خوشرنگ سربرآورده است. در میان ترنج نخست گلی گرد به رنگ سفید قرار دارد که ضخامت بندهای آن گاه به دو میلی‌متر می‌رسد. این بخش اوج ظرافت کار کاشی‌کاران این عهد را می‌نماید. اسلیمی‌ها به رنگ عسلی (حنایی) است و شاخه‌های ظریف ختایی به رنگ فیروزه‌ای در بین اسلیمی‌ها در حرکت است و همچنین گل‌های ریز ظریف سفید رنگ و برگ‌های آن فضا میانی را پر کرده است. طاق‌نمای این قاب اثر نوع دالبری و در $\frac{1}{2}$ نقش شش دالبر دارد. لچکی آن به رنگ نرمینه سبز پشیمی و طرح آن ادامه همان طرح‌های زمینه است.

سبک طراحی این قاب همچون سنتی پایدار در هنر کاشی‌کاری عهد تیموری تثبیت شد و به دوره‌های صفوی و قاجار رسید. نمونه ای اثر این شیوه طراحی که همگی بر ایوان زیر کتیبه ثلث واقع شده است. در بناهای دیگر



کاشی آن را به صورت دو تایی اجرا کرده و شکلی شبیه به تزئینات خط کوفی به انتهای آن الحاق کرده است. همه پشت بغلها در نمای حیاط مسجد با کاشی معرق پوشیده شده است. شیوه طراحی نقوش کاشی در پشت بغلها از سبک خاص دوره تیموری پیروی می‌کند. نقوش ختایی و اسلیمی در میان فرم لچکی پشت بغل شکلی دایره‌ای بزرگ تشکیل داده که حاوی کتیبه‌ای به خط ثلث با هشت بار تکرار نام «الله» است.

این شمسه درشت در یکی دیگر از قاب‌ها کاشی به شکل گل عباسی درشتی درآمده است. همین شیوه را در طرح کاشی مدرسه غیاثیه و مسجد کبود تبریز نیز می‌بینیم.

دور طاق ایوان مقصوره یک کتیبه ثلث بسیار عالی با کاشی معرق اجرا کرده‌اند که به خط بایسنغر میرزا پسر شاهرخ تیموری است. او که پسر شاهرخ و بانو گوهرشاد است از خوشنویسان و هنرپروران عصر خویش است. مصحفی بزرگ اندازره را که در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود بدو منسوب کرده‌اند اما از شواهد بر می‌آید چنین انتسابی درست نیست. همچنین یک نسخه شاهنامه فردوسی معروف به شاهنامه بایسنغری در کتابخانه کاخ گلستان نگهداری می‌شود که به حمایت و سفارش او تهیه شده است. متن کتیبه مورد بحث پس از آیه شریفه «أَمَّا يَعْمَرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ» و حدیثی از پیامبر (ص) در باره اهمیت ساخت مسجد به شرح ساخت آن در زمان شاهرخ به همت گوهرشاد صحه می‌گذارد و رقم کاتب در پایان کتیبه چنین است. «کتابه راجعاً الی الله بایسنغرن شاهرخ بن تیمور گورکان فی سنه ۸۲۱». ظاهراً بخشی از میان کتیبه در تعمیرات عصر صفوی به دست محمدرضا امامی بازنویسی شده است. (مؤتمن، ۱۳۴۸: ۲۲۰) کتیبه‌های دیگری از خوشنویسان بزرگ چون محمدرضا امامی (خوشنویس دوره صفوی و معاصر شاه عباس اول)، محمد شریف و محمدحسین شهید مشهدی خوشنویس دوره قاجار در نمای حیاط به چشم می‌خورد. کتیبه‌های ثلث و کوفی تقریباً در همه جا به چشم می‌خورد. کتیبه نستعلیق در پایه مناره‌ها نیز متعلق به تعمیرات دوره ناصر است. کاشی‌های دیگر این مجموعه کاشی‌های معقلی است که در واقع تلفیق آجرکاری با نوعی کاشی به نام کاشی نره است. نقوش کاشی‌های معقلی یا گره معقلی هستند یا خطوط بناپی. کاشی معقلی از نوع کاشی نره است که برای پوشش گنبد هم از این نوع کاشی استفاده می‌شود. این کاشی‌ها که رواج آن در معماری اسلامی از دوره ایلخانی آغاز شد در دوره تیموری برای نماهای کم اهمیت‌تر مانند نماهای بیرون و سطوح بزرگ دیوارها استفاده شده است.

سطوح داخلی ایوان‌های شرقی و غربی و ایوان دارالسیاره را با چنین کاشی‌هایی زینت داده‌اند. همچنین نمای

دوره تیموری نیز اثر این گونه قاب‌ها کار کرده‌اند مانند ایوان آرامگاه مولانا زین الدین ابوبکر تائبی، دو طرف سردر ورودی مسجد شاه (هفتاد و دوتن) مشهد، دو طرف ایوان ورودی مسجد کبود تبریز، دو طرف آرامگاه خواجه عبدالله انصاری در هرات، دو طرف آرامگاه تومان آغا در گورستان شاه زنده سمرقند و دو طرف ایوان‌های مدرسه غیاثیه خرگرد خواف. جالب این است که نوع ترکیب بندی این قاب‌ها هم مشابه یکدیگر است. مشابه این طرح در دو قاب بر ایوان مقصوره و در قاب دیگر بر ایوان دارالسیاده هم مشاهده می‌شود. با مقایسه این دو قاب و چهار قاب دیگری که یاد کردیم می‌توان به اصالت قاب‌های یادشده پی برد.

در قاب‌های دیگر ضخامت طرح‌ها و بندهای اسلیمی و ختایی به نسبت قاب اصلی بسیار خراب است. ضمن اینکه در رنگها نیز تغییر محسوسی مشاهده می‌شود. در قاب اصیل رنگ اسلیمی‌ها عسلی (تقاری یا حنایی) است اما در قاب‌های دیگر اسلیمی‌ها را به رنگ زرد اجرا کرده‌اند. گفتنی است در کاشی‌های معرق رنگ زرد به کار نرفته و از رنگ عسلی، تقاری، حنایی، به جای آن استفاده کرده‌اند. رنگ‌های رایج در کاشی‌کاری معرق دوره تیموری عبارت است از لاجوردی، فیروزه‌ای، سفید و سیاه، سبز یشمی و حنایی (عسلی) که گاهی از نمونه‌های بدون لعاب به رنگ نخودی هم استفاده می‌شود. همچنین نکته گفتنی در باره رنگ حنایی یا عسلی اینکه این رنگ در بین کاشی‌کاران امروز مشهد به تقاری معروف است و در کنار رنگ نخودی بدون لعاب دو رنگ مایه گرم در کاشی‌کاری محسوب می‌شوند. در متون کهن از آن به نام «صندلی» یاد کرده‌اند. صندلی منسوب به رنگ چوب درخت صندل است. نظامی در هفت پیکر این رنگ را با همین نام یاد کرده است. آنجا که می‌گوید بهرام در روز پنجشنبه بر گنبد صندلی می‌نشست یعنی بر گنبدی که به رنگ صندلی است می‌رفت. این رنگ تابناک در کاشی‌های عصر تیموری با فام‌های مختلفی اثر تیره تا روشن مایل به زرد کار شده است.

همین ترکیب رنگ در کاشی‌های معرق مدرسه غیاثیه خرگرد که دست نخورده باقی مانده نیز دیده می‌شود. بنابراین یک دلیل برای اثبات اصالت این دو قاب کاشی معرق ترکیب محدود رنگ آن است. به طوری که در نمونه‌های تجدید شده رنگ‌های سبز روشن و زرد هم مشاهده می‌شود. در این دو قاب اثر قطعات سفالین بدون لعاب هم برای تخمک‌های گله‌ها و برگها استفاده شده است که خود دلیل دیگر برای اصالت تاریخی آنهاست. در آثار معرق تجدید شده اثر قطعات بدون لعاب کمتر استفاده کرده‌اند.

نکته قابل تأمل دیگر در این ترکیب وجود چهار نرده محافظ در چهار جانب گلدان است که هنرمند طراح

سبز و مجسد بی بی خانم سمرقند هم مشاهده می‌شود. (پورتر، ۱۳۸۱: ۶۶) در قسمت‌های خاصی از طرح کاشی هفت رنگ که سطوح کوچکی را تشکیل می‌دهد و سرق طلا می‌چسباند و پس از پخت در کوره تثبیت می‌شود. نمونه اندکی از این کاشی‌ها در چند غرفه سمت شرق در همان نیم ستون‌های هفت رنگی مشاهده می‌شود. شاید با تجسس بیشتر به خصوص در غرفه‌های طبقه دوم با نر هم بتوان از این کاشی‌ها یافت.

در مدرسه پریراد تزئینات کاشی معرق و به خصوص کاشی معقلی دیده می‌شود. سر در این مدرسه کتیبه‌هایی به خط ثلث و از نوع معرق دارد. به خصوص کتیبه بالای طاق ورودی مدرسه دودر حاوی نام شاهرخ و سائرندۀ بنا، امیر یوسف خواجه بهادر است که تا حدودی دست نخورده باقی مانده است. کاشی‌های هفت رنگ در گریو گنبد مدرسه دو در هم دیده می‌شود که حاوی اشعاری به نربان فارسی در وصف بی‌وفایی دنیا است. کاشی‌های هفت رنگ مسجد گوهرشاد و مدرسه دودر اولین نمونه‌های کاربرد کاشی هفت‌رنگ در بناهای ایران هستند. این کاشی‌ها اثر نظر طرح بسیار شبیه معرق‌اند. دو گنبد کوچک ولی زیبای مدرسه دودر با کاشی اثر نوع نره و فیروزه‌ای تیره پوشیده شده است و بخش اعظم کاشی‌های ساقه گنبد ریخته است. کاشی‌های معرق مدرسه پریراد غالباً تجدید شده‌اند و حتی طرح آن‌ها هم با طرح‌های تیموری انطباق ندارد و فقط یک کتیبه خط ثلث در ایوان شرقی آن به نظر اصیل می‌نماید.

در طی مرمت‌های مختلف بناها کاشی‌ها تجدید و مرمت شده‌اند. در مرمت سنتی کاشی‌های کهنه را کاملاً برداشته و با کاشی جدید و با همان طرح با نر سازی می‌کنند. به همین علت تعیین اصالت کاشی‌ها کار ساده‌ای نیست. گاهی حتی کاشی‌کار در رنگها دخل و تصرف کرده و رنگ‌ها تغییر یافته است. نمونه آن کاشی‌های ایوان دارالسیاره در غرفه‌های شمال غربی مسجد گوهرشاد است که غلبه رنگ زرد در آن‌ها دیده می‌شود و با دیگر بخش‌ها تناسب ندارد. در تعمیرات پس از سال ۱۳۳۸ ش قسمت میله بالای مناره را که شکاف برداشته بود و نقش کاشی‌های پیشین آن گره‌بندی بود برداشتند به‌جای آن نقوش اسلیمی و ختایی معرق اجرا کردند. نمونه تصاویر قبل از سال ۱۳۳۸ ش کاشی‌های معرق قدیمی با نقش گره را نشان می‌دهد.

امروزه که قدر اصالت کاشی‌های قدیمی شناخته شده دیگر چنین روشی قابل قبول نیست. در شیوه مرمت علمی تجدید کاشی‌های قدیمی با نمونه‌های جدید فقط در موارد معدودی قابل قبول است. زیرا حفظ اصالت تاریخی اثر از دغدغه‌های اصلی مرمتگران است.

بیرونی مسجد در بست شیخ بهایی نیز با کاشی‌های نره با گره شمسه هشت و با نرو بندی و اسامی مقدس اجرا شده است. کاشی نره صرفاً به رنگ لاجوردی - فیروزه ای ساخته می‌شود و بدنه آن‌ها در گذشته از کاشی‌های گلی ساخته می‌شد اما امروزه از کاشی‌های جسمی ساخته می‌شود. نوعی کاشی نره با دو رنگ فیروزه‌ای و لاجوردی و قطعه‌ای نخودی بدون لعاب از ابداعات این عصر است که در مسجد گوهرشاد و در مدارس دودر و پریراد به وفور از آن استفاده شده است. این نوع کاشی به نام «معقلی نگین‌دار» شناخته می‌شود.

گنبد بزمرگ مسجد با کاشی فیروزه‌ای پوشیده شده و عبارت «لااله الا الله و محمد رسول الله و علی ولی الله» با کوفی بنایی بر آن اجرا کرده‌اند.

کاشی‌های گنبد از آثار اصیل عصر تیموریان نیست. نریرا گنبد را که در اثر زلزله و حمله قزاقهای روس بسیار آسیب دیده بود در سال‌های ۱۳۳۹-۴۶ برداشتند و دوباره با بتن بازسازی کردند.^۱ کاشی‌های نریر رنگی نوع دیگر کاشی‌های مسجد گوهرشاد است. این کاشی‌ها صرفاً در غرفه‌های طبقه دوم مسجد در ترکیب با کاشی معرق و در ساخت آلات خاصی اثر گره بکار رفته است. مثلاً در زیر ایوان غربی یک قاب کاشی معرق با نقش گره کند دو پنج ساخته شده که فقط آلت ترنجی آن از نوع زیرترنجی سفید با نقوش آبی است. همچنین برای حمیل کشی آلات در نقوش گره از کاشی زیرترنجی استفاده شده است. نمونه آن یک قاب کاشی معرق با گره زیبای هشت و زهره است که حمیل کشی آن با کاشی لاجوردی و نقش گل‌های سفید به صورت برجسته اجرا شده است. این قاب کاشی بر ورودی شمال غربی مسجد واقع شده است.

نمونه‌هایی محدود اثر کاشی هفت‌رنگ هم در این مجموعه دیده می‌شود. کاشی هفت رنگ دوره تیموری هنوز در مرحله ابداع و تجربه اولیه است و رواج عام آن در عصر صفوی است که جایگزین کاشی گران قیمت معرق شد. کاشی‌های هفت رنگ تیموری غالباً نه به شکل مربع بلکه به اشکال خاص متناسب با طرح است. مثلاً در مسجد گوهرشاد نیم ستون‌هایی که طاق غرفه‌های پیرامونی حیاط در مسجد را دور می‌زند اثر نوع هفت رنگی است که برخی از قسمت‌های آن را در مرمت ادوار بعد با کاشی معرق با همان طرح جایگزین کرده‌اند. نیم ستون‌ها پهلودار و بصورت نیمی از یک منشور هشت ضلعی است. نمونه نادری از کاشی طلاچسبان در مسجد دیده می‌شود.

این فن ویژه و خاص که فقط در عصر تیموری اجرا می‌شد در مدرسه غیاثیه خرگرد و کاخ آق سرای شهر

۱. اصالت طرح کاشی‌های گنبد بحثی مفصل دارد که در کتاب مسجد و موقوفات گوهرشاد بدان پرداخته شده است. نک: سیدی، ۱۳۸۶.



خاتمه

کاشی‌کاری عصر تیموری در حرم حضرت رضا (علیه السلام) به خصوص در مسجد جامع گوهرشاد جلوه‌گر شده است. این کاشی‌ها اثر نظر نفاست و درخشندگی رنگ، کمال طرح، ظرافت اجرا و هماهنگی در کل بنا مجموعه‌ای کم‌نظیر را پدید آورده که فقط با دو بنای دیگر هم عصر خود یعنی مدرسه غیاثیه خرگرد و مسجد کبود تبریز قابل مقایسه است. مسجد گوهرشاد مشهد با تاریخ ششصد و ده ساله‌اش نمونه ارزشمندی از معماری و تزئین عهد تیموری است زیرا تقریباً همه آثار معماری این عهد سرو به ویرانی نهاده و چیز زیادی از آن‌ها باقی نمانده است. این آثار که حاصل تلاش و ذوق و اندیشه هنرمندان بزرگ ما طی قرون و اعصار گذشته است بخشی از هویت ملی و مذهبی ما بوده و بر ماست که در حفظ و پاس‌داشت این آثار برای نسل‌های آینده و معرفی آن به نسل امروزی از هیچ کوششی دریغ نورزیم.

کتابنامه

پوپ، آرتور اپهام (۱۳۷۳). *معماری ایران*، ترجمه غلام‌حسین صدقی افشار، تهران، فرهنگان.
پورتر، ونیتیا (۱۳۸۱). *کاشی‌های اسلامی*، ترجمه مهناز شایسته‌فر، تهران، موسسه مطالعات هنر اسلامی.
تالبوت رایس، دیوید (۱۳۷۵). *هنر اسلامی*، ترجمه ماه ملک بهار، تهران، علمی و فرهنگی.
خورشیدی، هادی (۱۳۷۸). *بررسی تزئینات معماری تیموری با تأکید بر مدرسه ی غیاثیه خرگرد و آرامگاه مولانا زین‌الدین تایب‌ادی*، پایان‌نامه کارشناسی صنایع دستی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۱۳۷۸.
سیدی، مهدی و دیگران (۱۳۸۶). *مسجد و موقوفات گوهرشاد*، تهران، کومه.
عطاردی، عزیزالله (۱۳۷۱). *تاریخ آستان قدس رضوی*، تهران، عطارد.
فریه، س. دبلیو (۱۳۷۴). *هنرهای ایران*، ترجمه پرویز مرزبان، تهران، فرزانه.
قاضی میراحمدبن شرف‌الدین حسین منشی قمی (۱۳۵۹). *گلستان هنر*، تصحیح احمد سهیلی خوانساری، تهران، منوچهری.
محمدحسن خان اعتماد السلطنه (۱۳۶۲). *مطلع الشمس*، تهران، پیشگام.